

بررسی حقوقی مصادیق مسئولیت مدنی بر مبنای حق مالکیت

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

مجتبی عوضی نژاد^۱

دانشجوی دکتری حقوق عمومی

چکیده

مسئولیت مدنی یکی از مهمترین بخشهای حقوق مدنی است. در عصر جدید و صنعتی شدن جوامع بشری و گسترش علوم و فنون از یک طرف و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها از طرف دیگر، نیاز جامعه امروزه بشر را به یک نظام حقوقی استوار با هدف بالا بردن سطح عدالت بیش از پیش محسوس نموده است. مسئولیت مدنی مالک بنا و تأسیسات در ایران ناشی از حکم قانون است و این مسئولیت براساس هیچ یک از نظریه های ابراز شده به طور مطلق قابل توجیه نیست. حق مالکیت، حق استفاده و بهره برداری از ملک را نیز به همراه دارد و لازمه حق این است که افراد به نحوی از اموالشان استفاده کنند که با آزادی دیگران در استفاده از اموالشان سازگاری داشته باشد در حقوق ایران مالک یا محافظ ساختمان تا وقتی ثابت نکرده است که علت وقوع حادثه به کوتاهی در نگهداری یا قدمت بنا یا عیب آن مربوط نمی باشد مسئول خسارت ناشی از خرابی آن است. در مقاله حاضر قصد داریم به مصادیق و تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی بر مبنای حق مالکیت بپردازیم. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مرتبط می باشد.

واژگان کلیدی: حق مالکیت، مسئولیت مدنی، حقوق مالک، مسئولیت قهری، جبران خسارت

^۱ M.evaznezhad@yahoo.com



بخش اول: بررسی و شناخت مسئولیت مدنی

مسئولیت به معنای موظف بودن به انجام کار و مسئول شخصی است که فریضه ای به ذمه دارد که اگر به آن عمل نکند بازخواست شود. از نظر لغوی مسئولیت یعنی از کار و فعل انجام شده مورد سؤال واقع شدن.^۱ در قرآن کریم آمده که «و لا تقف ما لیس لک به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤولا»^۲ در اصطلاح حقوقی در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گوید در برابر او مسئولیت مدنی دارد. از نظر برخی دیگر مسئولیت مدنی عبارت است از ملزم بودن شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد کرده و مسئولیت مدنی زمانی محقق می گردد که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه زند و زیانی وارد نماید.^۳ ضرر رکن مهم مسئولیت مدنی است. و هر فعل یا ترک فعلی که موجب ضرر به شخص اعم از حقیقی یا حقوقی شود سبب مسئولیت مدنی می گردد. مسئولیت در مقابل خسارتی که شخص یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد نیز مسئولیت مدنی محسوب می گردد.^۴ در تألیفات فقهی، مسئولیت مترادف با ضمان است و ضمان در عربی به معنای التزام و به رد و بدل مال از مثل یا قیمت آمده و ضامن کسی است که کفیل و ملزم می شود.^۵ هر چند قواعد مسئولیت مدنی در زمره قواعد قدیمی در روابط اجتماعی به حساب می آیند اما واژه مسئولیت مدنی در عالم حقوق، واژه ای نسبتاً جدید است که از اوایل قرن نوزدهم در حقوق اروپا راه یافته است. واژه مسئولیت در حقوق روم و حقوق قدیم فرانسه وجود نداشته است و نه در قانون مدنی ۱۸۰۴ و قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه یافته نمی شود و به جای آن از «تعهد به جبران خسارت» و یا کلمه مسئول استفاده کرده اند.^۶ امروزه در حقوق هر وقت اصطلاح مسئولیت بکار می

^۱ - معین، ۴۰۷۷، واژه مسئول و مسئولیت

^۲ - سوره بنی اسرائیل، آیه شریفه ۳۷

^۳ - کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۴۸

^۴ - یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۳۲

^۵ - جعفری لنگرودی، واژه ضمان

^۶ - بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۴

رود، منظور تکلیف وارد کننده زیان نسبت به پاسخگویی به زیان در مقابل دادگاه و بر عهده گرفتن آثار مدنی، کیفری و انتظامی آن است اعم از این که چنین تکلیفی در مقابل زیان دیده باشد یا جامعه، مسئولیت به این معنی هر دو مسئولیت کیفری و مدنی را در بر می گیرد. اما در اصطلاح حقوق مسئولیت مدنی به معنای عام به دو شاخه تقسیم می شود. مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی یا مسئولیت قهری یا همان ضمان قهری و الزامات خارج از قرارداد.

بخش دوم: نگاهی اجمالی به مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی مسئولیتی است که در اثر اجرا نکردن تعهدی که از عقد و قرارداد ناشی می شود به وجود آید.^۱ دکتر امامی مسئولیت قراردادی را مسئولیت کسی دانسته که به موجب عقدی از عقود معین یا غیر معین تعهدی را پذیرفته و به علت عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد و یا اجرای بد آن، خسارتی به متعهدله وارد کند که در این صورت مکلف به جبران خسارات وارده است.^۲

دکتر لنگرودی علامت مسئولیت قراردادی را نقض تعهد ناشی از عقد می داند.^۳ مبنای مسئولیت قراردادی به قرارداد موجود بین عامل زیان و زیان دیده برمی گردد. مسئولیت قراردادی در اثر انجام ندادن تعهد قراردادی بوجود می آید و مسئولیت قهری مبتنی بر اخلاف به این تعهد قانونی است که نباید به دیگران زیان رسانید. بنابراین دائن و مدیون در مسئولیت قراردادی پیش از تحقق مسئولیت قراردادی با هم مرتبط هستند در صورتی که در مسئولیت قهری بیش از تحقق مسئولیت، مدیون با دائن بیگانه است.^۴ با توجه به ماده ۲۲۱ قانون مدنی ایران که می گوید: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد می توان گفت اگر جبران خسارت در عقد تصریح شده

^۱ - عاشوری، ۱۳۸۹، ص ۲۴

^۲ - امامی، ج ۱، ۱۳۷۲،

^۳ - جعفری لنگرودی، عبارت مسئولیت

^۴ - السنهوری، دکتر عبدالرزاق احمد، ج دوم، ۱۳۸۴، ترجمه دادمرزی و دانش کیا، ۸



باشد (تعهد صریح) و اگر به منزله تصریح باشد (تعهد ضمنی) و ماهیت قراردادی دارد اما اگر جبران خسارت، ناشی از تعهد صریح یا ضمنی طرفین نبوده و صرفاً برحسب قانون باشد ماهیت قهری می یابد.^۱ مسئولیت ناشی از قراردادهای مقاطعه کاری و مسئولیت خسارات وارده ناشی از تخلف از تعهدات قراردادهای فی مابین کارکنان و پیمانکاران با مالک تأسیسات صنعتی، جنبه قراردادی دارد.

بخش سوم: بررسی و شناخت مسئولیت مدنی خارج از قرارداد

مردم در جامعه علاوه بر تعهدات قراردادی، تکالیف و الزامات دیگری نسبت به هم دارند که این تعهدات ریشه در اراده انشائی افراد نداشته بلکه از طرف قانونگذار بر آنها تحمیل شده است به عنوان مثال شهروندان ملزمند که اسباب آلودگی صوتی و آلودگی محیط زیست را فراهم نکنند و باید به نحوی رفتار کنند که سبب ضرر غیرمتعارف به دیگران نشوند به عبارتی دیگر مسئولیت مدنی قهری نیز منوط به وجود یک تعهد و الزام است که از قبل بر دوش افراد تحمیل شده اما برخلاف مسئولیت قراردادی این تعهد ارادی نیست بلکه مصنوع قانون است. بنابراین مسئولیت مدنی در معنای عام و وسیع عبارت است از الزام به جبران ضرر اعم از اینکه منشأ ضرر وقایع حقوق (اعمالی که بدون اراده انشایی الزام ایجاد می کند) یا اعمال حقوقی (اعمالی که با اراده ی انشایی در عالم اعتبار الزام می آفریند)^۲. امروزه از کاربرد مطلق اصطلاح مسئولیت، مسئولیت مدنی قهری مستفاد می گردد و الزامات خارج از قرارداد یا مسئولیت مدنی به معنی عام تکالیفی است که در نتیجه امر مشروع یا نامشروعی، بدون اینکه قرارداد صحیحی در میان باشد پدید می آید. مبنای الزامات خارج از قرارداد نفع رسیده به یک شخص یا خسارت وارده به اوست^۳ مثلاً اگر مالک تأسیسات صنعتی عمداً یا بر اثر بی احتیاطی به دیگری خسارتی ناشی از مالکیت مایملک خود وارد آورد و یا موجب ورود خسارت به دیگری شود باید جبران خسارت کند. مواد ۳۰۱ تا ۳۳۷ قانون مدنی با عنوان در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می شود و قانون مسئولیت مدنی مصوب

^۱ - عاشوری، ص ۲۶

^۲ - یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۴۹

^۳ - صفائی، ۱۳۹۱، ص ۵



۱۳۳۹/۲/۷ و قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسائط نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۹/۲۶ و اصطلاحات سال ۱۳۸۷ و همچنین مواد ۳۱۶ تا ۳۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ در بیان این گونه الزامات و ضمان قهری در حقوق ایران است. در حقوق ایران سه نوع مسئولیت قهری در ضمن مواد گوناگون دیده می شود که شامل:

الف) مسئولیت قهری ناشی از عمل شخص که می توان مواد ۳۰۱ الی ۳۳۷ قانون مدنی و ماده ۳۲۵ در مورد ضمان غرور و همچنین ماده یک قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد.

ب) مسئولیت قهری ناشی از عمل غیر که خود دو حالت دارد: حالت اول در موردی است که شخص در قبال اعمال کسی که لازم است از او مراقبت کند مسئول می باشد مانند مسئولیت سرپرست بر صغیر و حالت دوم موردی است که متبوع، مسئول اعمال تابع خود است مثل مسئولیت کارفرما در قبال کارگر.

ج) مسئولیت قهری ناشی از اثر شیء و یا حیوان که شامل مسئولیت محافظ عمارت و بنا در مقابل اثر انهدام بنا، مسئولیت محافظ حیوان و مسئولیت ادوات مکانیکی یا اشیایی که حفاظت از آنها نیازمند تلاش خاص است. که موضوع این تحقیق، این نوع از مسئولیت است. برخی از حقوقدانان معتقدند که مسئولیت در این حالات مبتنی بر تقصیر است.^۱ لیکن نمی توان این نظر را بصورت مطلق پذیرفت. زیرا مسئولیت های مطلق یا بدون تقصیر و مسئولیتهای مبتنی بر تقصیر مفروض در زمینه مسئولیت ناشی از مالکیت و محافظت فراوان است. قانون مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه عناوین خاص را مانند اتلاف، تسبیب، غصب و استیفاء موجب ضمان قهری دانسته، اما ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که عمدتاً از قانون تعهدات سوئیس و قانون مدنی آلمان اقتباس شده، حاوی قاعده عمومی برای مسئولیت مدنی است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری اختلاط به عمل آمد و فروع ضمان قهری



در آن کاملاً به شیوه کتب فقهی مطرح گردیده است.^۱

ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر می دارد: هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد، ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است. از این ماده استنباط می توان کرد که مالک ضامن خسارات ناشی از اعمال متعارف و عادی در مایملک خود و یا تصرفات مجاز خود نمی باشد و قانون گذار علم مالک را در عدم سرایت آتش به ملک دیگری را برای عدم اثبات ضمان مالک کافی دانسته است و هر چند از لفظ غالباً نیز استفاده نموده است لیکن به نظر می رسد اصل را بر تصرفات مجاز مالک قرار داده است در صورتی که در ماده ۳۵۳ سابق استنباط میشد که مالک فقط به صورت متعارف می تواند در ملک خود تصرف کند و اگر تصرفی نماید که انسان متعارف از آن پرهیز می کند، هر چند این تصرف برای رفع نیاز باشد، در صورت بروز ضرر، وی مکلف به جبران آن خواهد بود و چنانچه ضرر عدم تصرف، بسیار کمتر از ضرری باشد که در صورت تصرف به همسایه می رسد، اصل تصرف غیرمتعارف خواهد شد و مالک باید از آن خودداری کند.^۲

بنابراین در معنای اخص، مسئولیت همان الزام شخص به جبران خسارتی است که در اثر فعل و یا ترک فعل او نسبت به دیگری وارد شده و این همان مسئولیتی است که در برابر مسئولیت قراردادی قرار می گیرد مسئولیت مدنی زمانی که بطور مطلق ذکر می شود، معمولاً منصرف به همین نوع، یعنی مسئولیت مدنی قهری است که مانند همه موارد مسئولیت، مستند به قانون است.^۳ موضوعات مسئولیت ناشی از مالکیت تأسیسات صنعتی غالباً، الزامات غیر قراردادی است که منشاء آن قانون است. مثل مسئولیت ناشی از مراقبت و مواظبت از ایمن و سالم بودن ماشین آلات و دستگاه های تأسیسات صنعتی و یا مسئولیت ناشی از تخریب و آلوده کردن محیط زیست.

^۱ - بادی، ۱۳۸۴، ص ۵۰

^۲ - صفائی، رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۸

^۳ - نظری، ۱۳۸۹

بخش چهارم: نگاهی به مبنای مسئولیت مدنی مالک در راستای مستحدثات و

توابع مالکیتی

حق مالکیت، تکالیف و مسئولیتهایی را بر مالک تحمیل می کند که این مسئولیت را می توان مسئولیت ناشی از مالکیت نامید. مسئولیت مالک به جبران زیانهای که از مال او به بار می آید، نتیجه منطقی مالکیت است و معمولاً این مسئولیت به سبب عدم انجام وظیفه یا ترک اعمالی که مالک می بایست در حفظ اموال خود انجام دهد، محقق می شود. در مورد مبنای مسئولیت مدنی تحولات زیادی به وقوع پیوسته و این تحولات بخصوص در قرن بیستم گسترده شده است. سوال اینجاست آیا برای جبران ضرر در مسئولیت مدنی همواره تقصیر لازم است یا براساس قاعده من له الغنم فعيله الغرم و نظریه خطر، نظریه تقصیر تا حدودی تعدیل شده است؟^۱ در زمینه مبنای مسئولیت مدنی نظریه های مختلفی مطرح شده که بیشتر جنبه فلسفی دارد و حقوق موضوعه را کم و بیش تحت تأثیر قرار داده است، هر چند که در هیچ کشوری یکی از نظریه ها بطور کامل و در همه موارد پذیرفته نشده است در اکثر کشورها نظریه تقصیر مبنای اصلی مسئولیت مدنی است اگرچه در مواردی براساس نیازها و مصالح اجتماعی نظریه خطر یا مسئولیت بدون تقصیر مورد قبول قانونگذار واقع شده است.

بند اول: تحلیل مسئولیت مالک تاسیسات صنعتی بر مبنای نظریه تقصیر

نظریه تقصیر در مسئولیت مدنی یک نظریه قدیمی و سنتی است که تا اواخر قرن نوزدهم میلادی در غرب حاکم بوده است. برابر این نظریه مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر (اعم از عمدی یا غیرعمدی) است و فقط کسی را می توان مسئول شناخت که مرتکب تقصیر شده باشد و اثبات آن اصولاً برعهده زیان دیده است.^۲ به عبارت دیگر مباشر خسارت فقط هنگامی مسئول جبران ضرر است که مرتکب تقصیری شده باشد و خسارت هم معلول آن تقصیر باشد و وجود رابطه سببیت بین خسارت و تقصیر است که جبران خسارت را توجیه می کند.^۱ در ابتدا،

^۱ - یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۴۲

^۲ - صفایی، رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۶۷ به بعد

^۱ - یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۴۳



نظریه تقصیر، جنبه شخصی داشت اما کم کم معیار و ضابطه نوعی به خود گرفت زیرا با در نظر گرفتن معیار شخصی، بسیاری از ضررها، جبران نشده، باقی ماند و صغار و مجانین هیچ گونه مسئولیتی در قبال ضررهایی که به دیگران وارد می کردند نداشتند. ایراد بزرگ نظریه تقصیر حتی تقصیر نوعی این است که هرگاه از فعالیت شخصی زیانی به بار آید و تقصیری هم وجود نداشته باشد این نظریه کاربرد خود را از دست می دهد و با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی دعاوی جبران خسارت آسانتر به نتیجه می رسد و زیان دیده از اشکال مربوط به اثبات تقصیر معاف می شود و مهمترین مزیت نظریه تقصیر این است که نظریه مذکور اشخاص را از اعمال ضد اجتماعی باز می دارد و در جهت حمایت از پیشرفت صنایع و فعالیتهای تولیدی است.^۱ برای تشخیص تقصیر دو نوع معیار وجود دارد: معیار شخصی (Subjective theory of negligence) و معیار نوعی (Objective theory of negligence) در تقصیر شخصی انسان هنگامی مسئول است که از لحاظ ذهنی قابلیت آن را داشته باشد اما در تقصیر نوعی وارد کننده زیان احتیاط و مراقبتی را که به حکم عقل، عرف یا قانون لازم است به عمل نیاورده است و مهم نیست که از خطرات و آثار زیانبار اعمالش آگاه باشد یا نه.^۲

در نظام انگلیس با توجه به قانون خطای مشترک مصوب ۱۹۴۵ و مقررات مسئولیت مدنی مطروحه در قانون مشارکت در ایراد زیان مصوب ۱۹۷۵ و رویه قضائی می توان نتیجه گرفت که در حال حاضر دو معیار کلی وجود دارد اول تقسیم مسئولیت بر مبنای میزان تأثیر و دوم تقسیم مسئولیت بر مبنای درجه تقصیر که قاضی با توجه به اوضاع و احوال، میزان مسئولیت هر یک از اسباب را بر مبنایی که عادلانه و منصفانه بداند تقسیم می کند.^۳ در حقوق ایران مسئولیت مدنی بنا بر اصل، برپایه تقصیر استوار است و گرایش به عنصر تقصیر در قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ نیز حفظ شده است. ماده ۳۳۳ ق.م ایران در صورتی مالک بنا را مسئول خسارت ناشی از ویرانی بنا می داند که ویرانی به سبب عیب

^۱ - کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۱۷۹-۱۸۰

^۲ - بادینی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹

^۳ - حسنی زاده، ۱۳۹۰

بنا حاصل شده باشد. اما این مسئولیت مطلق نیست بلکه مالک باید از وجود عیب مطلع بوده یا عیب به جهت کوتاهی در مواظبت و مراقبت حاصل شده باشد. لیکن در حقوق برخی از کشورها از جمله بر اساس ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه «اماره تقصیر» علیه محافظ و مالک وجود دارد و در دعاوی ناشی از مالکیت و حفاظت از اشیاء، قانون خطای دارنده یا محافظ شیء را به حکم غلبه مفروض دانسته و خلاف آن محتاج به اثبات است. بنابراین مالک یا محافظ، در مقابل جبران خساراتی که به سبب آن وارد می شود، مسئول فرض می شود و اوست که برای رفع مسئولیت از خود باید ثابت نماید که مرتکب تقصیری نشده است. همچنین علی رغم شباهت دو ماده ۳۳۳ ق.م.ایران و ماده ۱۳۸۶ ق.م.ف، تقصیری که برای تحمیل مسئولیت بر مالک لازم است، یکسان نیست. همانگونه که گفته شد ماده ۳۳۳ ق.م.ایران، خرابی را در نتیجه عیب در بنا، سبب مسئولیت معرفی کرده، منتها تقصیر مالک هنگامی محقق می شود که از این عیب مطلع بوده و یا این که عیب از عدم مواظبت او تولید شده باشد. بنابراین اطلاع مالک از عیب تأسیسات را زیان دیده باید ثابت کند، زیرا تقصیر مالک تأسیسات در ایران مفروض نمی باشد. البته عیب را در هر مورد با توجه به نوع تأسیسات و خصوصیات آن باید معین کرد و مصداق خاصی را نمی توان به عنوان یک ضابطه مشخص و غیر قابل تغییر برای معیوب دانستن تأسیسات صنعتی دانست و با توجه به ضوابط خاص فنی و مهندسی هر وضعیتی خلاف این اصول فنی را می توان عیب نامید و دادگاه معمولاً تشخیص عیب تأسیسات را به کارشناس صالح واگذار می کند. خسارات ناشی از بنا و تأسیسات را نمیتوان منحصر به ویرانی دانست، بسیاری از خسارات بدون ویران شدن بنا بر اثر وجود عیب و نقصی در تأسیسات به وجود می آید.^۱ به طور کلی تقصیر مالک در خسارات ناشی از اموال و مایملک او، ناشی از ترک فعل و عدم انجام وظیفه نگهداری از اموال محقق می شود و معمولاً خسارت ناشی از غیر ویرانی بنا، خساراتی است که از عیوب موجود در ملحقات و توابع یا اجزا و قسمتهای تشکیل دهنده ساختمان به اشخاص

^۱ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸

یا مالک مجاور وارد می شود، بدون اینکه بنا ویران شده باشد. مثلاً بر اثر عدم تعمیر به موقع خطوط لوله ای که از آن نفت نشت میکند اراضی همسایه مجاور خسارت ببیند یا به علت نقص در سیستم تصفیه و فیلترهای پالایشگاه فضای و هوای اطراف تأسیسات آلوده شده و به افراد آسیب وارد شود. و یا از خروجی گازهای زائد تأسیسات گازی، علاوه بر گاز، میعانات گازی باعث آلودگی و از بین رفتن محصولات کشاورزی و باغی اطراف تأسیسات شود. هر چند دامنه خساراتی از این قبیل بسیار وسیع است، ولی مسئولیت مالک تأسیسات صنعتی در مورد این خسارات، مبتنی بر قواعد کلی مسئولیت مدنی است. در هر حال عیب در تأسیسات به هر علت که بوجود آمده باشد قبل از اثبات تقصیر مالک بخودی خود سبب مسئولیت نیست، اما میتوان وجود عیب را اماره ای بر عدم مراقبت وی دانسته و آن را مترادف تقصیر محسوب کنیم.^۱

لازم به ذکر است در حقوق ایران مالک بنا زمانی مسئول است که قصوری در مراقبت و حفاظت از ملک خود مرتکب شده باشد البته در مسئولیت دولت ناشی از مالکیت تأسیسات باید به آیین نامه الزام دستگاههای اجرایی به اخذ پوشش های بیمه ای لازم موضوع ماده ۲۲۲ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ اشاره نمود که به نظر می رسد مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از خطرات آتش سوزی و حوادث طبیعی اموال منقول و غیر منقول دولت، مطلق فرض شده است. در خصوص مسئولیت مطلق مالک در بند ۲ ماده ۱۱۳ قانون دریایی ایران نیز فرض را بر تقصیر یا غفلت متصدی حمل و یا مأموران مجاز دانسته مگر اینکه خلاف آن اثبات گردد که به نظر می رسد بتوان به عنوان یک قاعده در موضوع مسئولیت ناشی از مالکیت تأسیسات به کار برد.

بند دوم: تحلیلی بر نظریه مسئولیت محض در مسئولیت ناشی از مالکیت

تأسیسات صنعتی و مستحذات

از نظر تاریخی مسئولیت بدون تقصیر مقدم بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر بوده است. از حدود سال ۱۸۸۰ میلادی وضعیت اسفناک زیان دیدگان حوادث ناشی از

^۱ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۲-۱۰۶

کار توجه حقوقدانان را به خود جلب کرد. براساس نظریه تقصیر شرط جبران خسارت کارگر اثبات تقصیر کارفرما بود. که در صورت مقصر بودن اثبات تقصیر وی دشوار بود.^۱ چنین وضعیتی کارگران را آماده شورش علیه کارفرمایان و رهگذران را آماده شورش علیه رانندگان نموده بود. به نحوی که احساس نابرابری اجتماعی در بطن نظام مردم سالاری به این مسئله حقوقی جنبه سیاسی داده بود. با توجه به ناعادلانه بودن چنین وضعیتی حقوقدانان احساس می کردند باید به کمک کارگران زیان دیده بشتابند. در اواخر قرن نوزدهم دو نیروی بخار و برق حوادث زندگی را متنوع ساخت. در تمام حوادثی که بر اثر صنعت و تکنولوژی جدید پیش آمد اصل تقصیر که بنیان مسئولیت مدنی بود، مانع از جبران خسارت می شد. زیرا همانگونه که گفته شد گاه در ورود ضرر تقصیر نقشی نداشت یا اثبات آن دشوار بود به این ترتیب مبنای تقصیر سست شده و نظریه جدیدی بنام نظریه خطر پدید آمد که به آن مسئولیت برون ذاتی یا تسبیب نیز می گویند.^۲ بعضی از حقوقدانان کشورهای عربی قاعده فقهی «مَنْ لَه الْغَنَمُ فَعَلِيْهِ الْغُرْمُ» را شبیه نظریه خطر دانسته اما دسته ای دیگر بر این باورند که این قاعده چنین معنایی ندارد، بلکه منظور از آن این است که مالک در مقابل منفعتی که از مال به دست می آورد باید خساراتی را نیز که به آن وارد می شود تحمل کند و خسارات ناشی از مال را که به اشخاص ثالث وارد می شود در بر نمی گیرد.^۳ واقعیت این است که نظریه خطر بیشتر برای کمک به زیاندیدگان حوادث ناشی از کار از طریق اعلام مسئولیت بدون تقصیر کارفرما ارائه شده است که با تصویب قوانین جدید کارایی خود را از دست داده است و نمی توان آن را به کل قلمرو مسئولیت مدنی سرایت داد.^۱ همانگونه که نظریه تقصیر از حیث جبران ضرر ممکن است مشکلاتی را برای متضرر داشته باشد، پذیرش مطلق نظریه خطر نیز مشکلاتی را برای صاحبان

^۱ - بادینی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۱ به بعد

^۲ - ریبر و بولاتزه، ج دوم، به نقل از بادینی، ص ۲۴۲

^۳ - الخفیف، الشیخ علی، الضمان فی الفقه الاسلامی، قسمت اول، ص ۵۹، به نقل از بادینی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۴

^۱ - مازو و تنگ، ش ۳۴۹، ص ۴۳۸، به نقل از بادینی، ص ۲۶۳



صنایع خواهد داشت.^۱

با اشکالاتی که بر نظریه های تقصیر و خطر وارد بود و هیچ کدام از آنها برای رفع نیازهای جامعه کافی نمی نمود، نظریه های مختلط یا دوگانه که آمیخته ای از دو نظریه یاد شده بود پدید آمد برخی مبنای تقصیر را حفظ کرده و در عین حال با قبول نظریه خطر به عنوان مبنای ثانوی موارد متعدد مسئولیت بدون تقصیر را توجیه می کنند و انصاف را به عنوان مبنای نظام حقوقی می دانند.^۲ و به نظر آنان در صورتی که فعالیت شخصی به دیگری ضرر وارد آورد، اخلاق و انصاف حکم می کند که ضرر زیان دیده جبران شود. عده ای دیگر مسئولیت را شامل دو قطب تقصیر و خطر می دانند. و مرز بین آنها با تفکیک بین مسئولیت ناشی از فعل شخص و مسئولیت ناشی از اشیاء دیگران مشخص می شود. یعنی اینکه مبنای مسئولیت در فرض اول تقصیر و در فرض دوم خطر است. البته ایراد این نظریه در تشخیص فعل شخصی و تفکیک آن از فعل اشیاء است، چرا که در صورت ایراد خسارت در نتیجه یک عمل شخصی تقصیر فاعل باید اثبات شود. ولی اگر شخص از شیء در ایراد خسارت استفاده کرد، زیان دیده از اثبات تقصیر معاف می باشد و از نظر حقوقی معلوم نیست چرا کاربرد یک شیء مبنای مسئولیت را تغییر می دهد.^۳ براساس نظریه ژوسران حقوق دان بزرگ فرانسوی برای تعدیل نظریه خطر کامل، معیار خطر در برابر انتفاع اعمال می شود و در این صورت نظریه خطر موقعی کاربرد دارد که کسی با ایجاد منبع خطر برای دیگران نفع مادی عاید خودش گرداند و اگر خسارت ناشی از بهره برداری اقتصادی باشد، بهره بردار بدون این که نیازی به اثبات تقصیرش باشد مسئول جبران خسارت است و در سایر موارد تقصیر شرط ایجاد مسئولیت مدنی است.^۱

نظریه مسئولیت محض با مفاد قاعده لاضرر در فقه و لزوم جبران ضرر ناروا، همچنین نظریه تضمین حق شباهت دارد. زیرا در مسئولیت محض حمایت از حق

^۱ - یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۴۵

^۲ - بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸

^۳ - صفائی، رحیمی، ۱۳۹۱، ص ۷۱

^۱ - بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۹

زیان دیده بیش از مجازات مقصر مورد توجه است.^۱ در نظام مبتنی بر مسئولیت محض، انجام دهنده فعالیتی خاص ملزم است تا هزینه های خارجی فعالیت خود را تحمل کند. چنین مسئولیتی واردکنندگان زیان بالقوه را و می دارد تا با در پیش گرفتن آن دسته از اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه قابل توجیه است، در زمینه ایمنی، سرمایه گذاری بهینه نمایند و به این ترتیب منابع به گونه ای به کارها تخصیص پیدا کند. در نظام مبتنی بر مسئولیت محض وارد کننده زیان بدون توجه به اثبات تقصیر کسی، مکلف به جبران خسارت است. و در نظامی که هیچ مسئولیتی وجود ندارد، زیان دیده، صرف نظر از تقصیر طرفین همواره باید ضرر را تحمل کند. در مسئولیت محض اثبات این امر که عامل زیان مواظبتهای لازم و ممکن را نموده است به تنهایی دفاع محسوب نمی شود. چرا که تکیه مسئولیت در این موارد بر تقصیر عامل نمی باشد.^۲

بخش پنجم: بررسی و تحلیل قاعده فقهی لاضرر در مسئولیت ناشی از مالکیت

بند اول: دلالت قاعده لاضرر بر مسئولیت

در بین فقها دیدگاههای مختلفی از مفاد حدیث لاضرر و لاضرار فی الاسلام بیان شده است به نظر عده ای لاضرر و لاضرار دلالت بر نهی و منع اضرار به غیر می نماید. یعنی حرف «لا»ی مندرج در حدیث در نظر ایشان «لای نهی» است. البته این عده از فقها در نوع نهی اتفاق نظر ندارند. و عده ای آن را نهی الهی و عده ی دیگر نهی حکومتی می دانند.^۳ به نظر عده ای دیگر از فقها، قاعده لاضرر به مفهوم نفی ضرر می باشد و «لای» آن «لای نفی» است و منظور از نفی ضرر به چند صورت است. نفی ضرر ممکن است به معنای نفی حکم ضرری باشد. یعنی اینکه هیچ حکم ضرری در اسلام وجود ندارد. و احکامی که مستلزم ضرر برای جامعه باشد به واسطه این حدیث برداشته شده است. همچنین این قاعده می تواند به معنی نفی حکم از طریق نفی موضوع باشد و اگر موضوعی دارای حکم ضرری باشد آن حکم برداشته می شود. معنای دیگر قاعده نفی ضرر غیر متدارک است

^۱ - کاتوزیان، ص ۱۱۷

^۲ - کلین، خطرها و خطاها، ص ۲۴۰، به نقل از بادی، ۱۳۹۲

^۳ - شیخ مرتضی انصاری، رساله فی قاعده نفی الضرر، ص ۳۷۲، به نقل از یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۹۴



یعنی ضرر غیر متدارک و جبران نشده در اسلام وجود ندارد و شارع افراد را ملزم به جبران و تدارک خساراتی نموده که به همدیگر وارد می سازند و با جبران ضرر، گویی خساراتی وجود ندارد. بنابراین هر ضرری باید جبران شود. و جایز نمی باشد که برخی از مسلمانان به بعضی دیگر ضرر برسانند. از نظر اکثر فقها رسالت قاعده لاضرر این است که حکم را بر دارد و دلیلی بر ضمان و مسئولیت مدنی نمی باشد. و با استناد به این قاعده وجهی بر حکم به مسئولیت مدنی نیست و استفاده از این قاعده در ضمان موکول به تأیید فتوای فقهاست زیرا براساس نظر غالب فقها، این قاعده اقتضای حکم به ضمان نداشته و دلیلی بر آن نیست. برخی بر خلاف نظر مشهور معتقدند که قاعده لاضرر دلالت بر ضمان دارد. و استدلالهای این گروه عبارتند از **نخست**: برخی اظهار داشته اند اگر مفهوم قاعده نهی الهی باشد حکم به ضمان به استناد آن بعید نیست. زیرا در این صورت، نهی دلالت بر حرمت ایراد ضرر خواهد داشت و مقتضی این نهی، تحریم ابقاء وضع ایجاد شده نیز می باشد و بقای این وضعیت نیز ضرر است و لازمه آن وجوب رفع آن ضرر است. و تنها کسی که باید آن را رفع کند کسی است که ضرر از وی ناشی شده است.^۱

کسانی که اعتقاد دارند مفهوم لاضرر نفی ضرر غیر متدارک است، حکم به ضمان و مسئولیت براساس آن را بدیهی می دانند. به این نظر ایراد شده است که لزوم تدارک ضرر دلیل بر تحقق ضمان بر عهده فاعل نیست. زیرا چه بسا منظور از آن جبران ضرر از بیت المال بوده یا به معنی جبران آن از سوی خداوند در دنیا یا آخرت باشد.^۲ در پاسخ به این ایراد گفته اند اگر منظور از وجوب تدارک، لزوم جبران از طرف شخصی غیر از خواننده دعوی باشد این جبران، ضرر جدیدی برای ثالث جبران کننده است و خود نیاز به جبران دارد. یعنی اگر در تلف مالی، شخص ثالثی قیمت مال راپردازد، شخص ثالث با پرداخت قیمت در معرض ضرر قرار گرفته و خود نیازمند به جبران خسارت است و این منجر به ایجاد دور باطل می باشد. برخی فقها برای اثبات ضمان با استفاده از قاعده لاضرر به مبنای

^۱ یزدانپان، ۱۳۸۶، ص ۹۸-۹۶

^۲ - نعم لوقیل: ان معنی الحدیث: لاضرر بالاجبران، لدل علی تحقق الجبران، و هو ایضا لا یثبت ضمان الضار، لامکان الجبران من بیت المال او فی الآخره، او فی الدنیا من جانب الله سبحانه، بأن یفعل ما ینتفع من استخر به بقدر ما استفر او ازیدی. ملا احمد نراقی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، انتشارات حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷، ص ۵۵، به نقل از جمشیدی، ص ۹۱

عقلا استناد کرده و معتقدند بی تردید مبنای عقلا در این امر محقق است که در زندگی اجتماعی زیان رساندن به دیگران امری ناپسند است و عامل زیان در مقابل زیان دیده مسئول پرداخت خسارت است و لذا این اصل در کلیه نظام های حقوقی پذیرفته شده است.^۱ با توجه به مطالب بیان شده مشاهده می گردد که در اثبات ضمان به استناد قاعده لاضرر اختلاف نظر وجود دارد و برخلاف نظر مشهور برخی اعتقاد دارند که قاعده دلالت بر ضمان نیز دارد. اگرچه این نظر مخالف شرع نیست بلکه همسو با آن است. زیرا محدود ساختن قلمرو اجرای قاعده لاضرر به نفی احکام، از نقش اجتماعی آن در اجرای عدالت به شدت می کاهد و نهادی را که می تواند پایه اصلی همزیستی در اجتماع و جمع منافع و آزادیها باشد در حصار از احتیاط و سنت گرایی زندانی می کند.^۲ پای بندی به شرع مستلزم پذیرش اندیشه فقههای گذشته نمی باشد. چرا که حقوقدان امروز بی نیاز از اجتهاد نیست.^۳ فقهی پویا لازم است تا بتوان نظرات کهنه را فدای ضرورتها و مصالح انسانی نمود.^۴ بنابراین قاعده لاضرر، می تواند منبعی برای مسئولیت مدنی باشد. بدین مفهوم که هیچ ضرر جبران نشده ای نباید در اجتماع باشد و هر ضرری باید جبران شود. به نظر می رسد صرف نظر از مفهوم قاعده، حکم به تحقق مسئولیت مدنی به استناد قاعده لاضرر صحیح است زیرا عقل در موارد ورود ضرر حکم به لزوم جبران ضرر بر عهده فاعل فعل زیان بار می نماید. تصرفاتی که مالک در ملک خود می نماید اصولاً بدون برخورد با حقوق دیگران نیست. این تصرفات گاه موجب اضرار دیگران می شود امروزه مالکیت حق نیست بلکه وظیفه ای اجتماعی است.^۵ در مسئولیت ناشی از تأسیسات صنعتی نیز با توجه به وسعت عملیات در اینگونه تأسیسات هر لحظه احتمال ورود ضرر ناشی از عیب در مالکیت و نگهداری از این تأسیسات می باشد که با تفسیر موسع این قاعده این گونه ضررها در هر حال باید جبران شود.

^۱ - سید کاظم حائری، فقه العقود، ج ۱، ص ۴۷، به نقل از حکمت نیا، ص ۱۲۴

^۲ - کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷

^۳ - کاتوزیان، ج ۲، ص ۳۵

^۴ - کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۵۳۹

^۵ - یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴

بند دوم: قاعده لاضرر و مسئولیت ناشی از مالکیت

تصرفاتی که مالک در ملک خود می نماید اصولاً بدون برخورد با حقوق دیگران نیست. این تصرفات گاه موجب اضرار دیگران می شود امروزه مالکیت حق نیست بلکه وظیفه ای اجتماعی است.^۱ قاعده لاضرر با توجه به حکومتی که بر قاعده تسلط دارد وسیله ای در رفع منبع ضرر می باشد و هر جا اختیارات مالک برای دیگران مضر باشد قاعده لاضرر آن اختیار را محدود می نماید (ماده ۱۳۲ قانون مدنی) مشهور فقها تصرفات مالک را در مواردی که منجر به ضرر به دیگران می شود به دلیل قاعده تسلط جائز دانسته اند. اگرچه به حکومت قاعده لاضرر بر قاعده تسلط اشاره داشته و در مواردی اختیارات مالک را محدود کرده اند.^۲ فقها در مواردی تصریح به عدم ضمان مالک داده و در مواردی حکم به ضمان داده اند. اگر خسارت وارده به دیگران به صورت اتلاف و بالمباشره بوده و قابل انتساب به فاعل باشد صرف نظر از علم و جهل مالک و بدون توجه به اینکه آیا وی به آن تصرف نیاز داشته یا تصرف برای رفع ضرر بوده، مالک مسئول جبران خسارت است و اگر خسارات و تلف اموال به صورت بالمباشره نباشد و به صورت تسبیت صورت پذیرد ظاهراً مسئولیتی مطرح نخواهد شد. بنابراین هر مالکی طبق قاعده تسلط نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد اما نمی تواند تصرفی که مستلزم تضرر به دیگری شود را اعمال کند و قاعده لاضرر حق مالک را در این خصوص محدود می نماید مگر اینکه تصرف به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد. (ماده ۱۳۲ قانون مدنی) قانون مدنی ما مفهوم غیر مشهور قاعده لاضرر را در این ماده لحاظ نموده است. با توجه به قاعده لاضرر که هیچ ضرری جبران نشده باقی نمی ماند در تألیفات فقهی، تفریط، یعنی عدم رعایت وظایفی که بر عهده شخص قرار دارد منشأ مسئولیت و به بیان فقها سبب ضمان خواهد بود. استناد به تفریط در مورد مسئولیت در صاحب حیوان، صاحب دیوار یا روشن کننده آتش را در کتب فقهی می بینیم. مالکی که رعایت احتیاط را در

^۱ - یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸ - ۱۰۰

^۲ - انصاری شیخ مرتضی، رساله نفی الضرر مکاسب، ص ۳۷۵، به نقل از یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹

حفاظت حیوان نکرده یا با توجه به وضعیت و حالت خاص بعضی حیوانات در زمان معین در نگهداری آن اهمال نموده، ضامن محسوب می شود.^۱ ضابطه اصلی در ضامن و مسئولیت همان تجاوز از احتیاط و متعارف است به همین خاطر اگر صاحب حیوان در نگهداری حیوان رعایت احتیاط را نموده باشد مسئولیت منتفی می شود. و در مسئولیت ناشی از مالکیت تأسیسات صنعتی و مراقبت و نگهداری از تأسیسات نیز هیچ ضابطه ای بهتر از عرف نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد.

بخش ششم: واکاوی حقوقی خسارات حاصل از ویرانی و عیب تأسیسات صنعتی

قانون مدنی ایران در ماده ۳۳۳، مالک بنا را مسئول خسارت ناشی از «خراب شدن» دیوار یا عمارت یا کارخانه معرفی کرده، اما تعریفی از ویرانی نکرده است. لیکن در ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه که ماده ۳۳۳ ق.م.ایران از آن اقتباس شده، آمده است که خسارت باید از ویرانی بنا و ساختمان حاصل شده باشد. از خصوصیات مهم ویرانی که شرط لازم برای تحقق مسئولیت مالک بر مبنای موارد فوق در حقوق ایران و فرانسه می باشد این که ویرانی باید خود به خود و بدون دخالت انسان به وقوع پیوسته باشد و مسئولیت مالک در این موارد ناشی از ویران شدن «خراب شدن» و نه ویران ساختن است. و در صورتی که مالک بنا، خود موجب ویرانی بنا باشد طبق قواعد عمومی مسئولیت باید خسارات را جبران نماید. اما برای تحقق مسئولیت بر مبنای مواد ۳۳۳ ق.م. ایران و ۱۳۸۶ ق.م. فرانسه لازم است ویرانی خود بخود محقق شود، هر چند که سبب اولیه آن تقصیر مالک باشد. ماده ۳۳۳ ق.م. منحصرأ در مورد مسئولیت مالک بنا در صورت ویرانی است و با توجه به صراحت ماده مذکور، نمی توان حکم ماده را با تفسیر موسع به سایر زیان های ناشی از بنای معیوب در غیر مورد ویرانی سرایت داد.^۱ در تألیفات حقوقی در زمینه مسئولیت مالک به سبب ویرانی، مفهوم ویرانی مورد بحث قرار نگرفته و شاید تصور شده این مفهوم به اندازه کافی روشن است و نیازی به تعریف ندارد برخی از حقوقدانان^۲ در تعریف ماده ۸۷۳ ق.م.ایران، انهدام را متلاشی شدن

^۱ - شهید ثانی، ج ۱۰، ص ۱۵۹، به نقل از نظری، ۱۳۸۹، ص ۴۳

^۱ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲، ۱۱۶ و ۱۱۹

^۲ - شهیدی، ۱۳۸۸، ص ۳۸



یک مجموع مرکب که عرفاً ظهور در خراب شدن یک ساختمان یا اجزای ساختمان، مانند دیوار دارد، تعریف کرده اند. برخی دیگر از حقوقدانان^۱ به اختصار و بدون تعریف انهدام، افتادن درخت، برخورد و تصادم دو اتومبیل را از مصداقهای آن دانسته اند. در هر صورت در مسئولیت مالک تأسیسات صنعتی باید با مراجعه به عرف مفهوم ویرانی را تعریف نمود، از این نظر ویرانی همان انهدامی است که ظهور در خرابی یک مجموعه مرکب که به آن ساختمان گفته می شود دارد. بنابراین آتش سوزی غیر از خرابی است، لذا اگر ساختمانی دچار حریق شود و حریق به بناهای مجاور سرایت کند و ضرر برساند، این ضرر ناشی از خرابی ساختمان محسوب نمی شود، حتی اگر پس از حریق و در نتیجه آن، ساختمان تخریب شود و به ثالث ضرری وارد شود. بنابراین در این مواقع در قانون ایران تنها می توان از قواعد عمومی مسئولیت و مقررات قانون مجازات اسلامی کمک گرفت. در کتب فقهی خسارات ناشی از عیوب بنا در قواعد کلی تسبیت آمده است که به موجب آن هر کس سبب ورود خسارت به دیگری شود ضامن آن خواهد بود. از ملاک مواد ۵۱۷ تا ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی در مورد ویرانی دیوار و ضمان ناشی از آن می توان در مورد مسئولیت مالک به جبران خسارت ناشی از عیوب بنا استفاده نمود. چرا که در اینجا نیز مالک یا محافظ در وظیفه حفاظت و رفع عیوب بنا تخلف نموده و خسارت نیز از بنا ناشی شده است.

بخش هفتم: تحلیل و واکاوی حقوقی مسئولیت مالک تأسیسات صنعتی در

نظام حقوق ایران

پس از تصویب قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۲۹، حقوقدانان با ملاحظه حکم کلی این ماده و ماده ۳۲۸ قانون مدنی، که نسبت به عنصر عمد و تقصیر وعدم آنها اطلاق دارد و متلف غیر عمدی مال دیگری را، در صورت عدم ارتکاب تقصیر، نیز مسئول قرار داده است اظهار نظرهای مختلفی را ارایه کرده اند. این نظرها دو دسته اند. اول نظریه نسخ مقررات مغایر با ماده نخست قانون مسئولیت مدنی که اعتقاد

^۱ - کاتوزیان، ۱۳۷۳، ش ۲۳

^۲ - عبدالرزاق، ج ۲، ۱۳۹۰، ص ۲۶۵

دارد ماده یک قاعده کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر را به عنوان قانون جدید بطور صریح اعلام میدارد به همین دلیل مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ و ۳۲۲ ق.م که با آن منافات دارد را نسخ میکند. نظریه دوم مبنا را بر عدم نسخ دیگر مقررات از جمله مقررات قانون مدنی در زمینه اتلاف غیر عمدی میداند و معتقد است ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با قاعده اتلاف تعارض ندارد و تنها مفهوم مخالف آن دلالت دارد که مسئولیت بدون تقصیر را نباید پذیرفت. اما اخذ چنین مفهومی از جمله شرطیه مندرج در ماده مذکور با توجه به قرائن خارجی چون نظر صریح فقها درباره قواعد اتلاف غیر عمدی، درست نیست زیرا یکی از شرایط اخذ مفهوم از جملات شرطیه احراز علت شرط برای جزا است بنابراین نمیتوان از مفهوم مخالف آن استفاده کرد. نتیجه اینکه دلایل ارائه شده از سوی طرفداران نظریه اول غیر منطقی و غیر موجه است بنابراین نظریه دوم با اصول وقواعد پذیرفته شده در حقوق ایران با در نظر گرفتن مبانی فقهی آن سازگار است.^۱ در حقوق ایران مسئولیت مدنی مالک بنا بر پایه تقصیر استوار است. تقصیر مالک بنا با توجه به ماده ۳۳۳ ق.م شرط اصلی مسئولیت محسوب می شود. قانون مدنی ایران که در ماده ۳۳۴ به صراحت از تقصیر متصرف یا مالک حیوان یاد کرد ماده ۳۳۳ را به تقلید از ماده ۱۳۸۶ فرانسه به گونه ای انشاء نموده که بدو^۲ به نظر می رسد تقصیر مالک در مورد ویرانی بنا مفروض است.

زنده یاد دکتر حسن امامی معتقد بود که مالکیت دیوار یا عمارت یا کارخانه به تنهایی کافی برای مسئولیت خساراتی که بوسیله آن ملک، به غیر وارد می شود نیست بلکه باید مالک آگاه از خرابی باشد و در تعمیر آن اهمال بنماید. بنابراین مالک زمانی مسئول خسارت ناشی از ملک خود خواهد بود که تکلیفی بر عهده داشته و آنرا ترک و یا در انجام آن اهمال نموده باشد و مثال آورده که هرگاه دیوار خانه مشرف به خرابی باشد و مالک عالم به این امر نبوده و یا با علم به آن سعی و کوشش کافی برای جلوگیری از انهدام نموده و دیوار خراب شود و خسارتی به

^۱ - قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷-۳۱۹

^۲ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱



دیگری وارد آورد مالک ضامن آن نمی باشد زیرا نمی توان مالک را بدون علم خرابی و یا عدم قدرت بر جلوگیری، سبب توجه خسارت دانست.^۱ و دکتر امامی معتقدند که هیچ ترک فعلی موجب مسئولیت مدنی نمی شود مگر اینکه قانون یا قرارداد انجام آن را الزامی دانسته باشد و بدیهی است مسئولیت مالک در محافظت از اموال خود از الزامات قانونی است. لذا با توجه به ماده ۳۳۳ ق. م و مقررات تسبیب شکی نمی توان داشت که مسئولیت مالک بنا، چه در موارد ویرانی بنا و چه در مورد عیوب بنا در حقوق ما بر مبنای تقصیر استوار است. آن هم تقصیری که از طرف زیان دیده باید اثبات شود.^۲ بعضی از نویسندگان عقیده دارند ماده ۳۳۳ ق. م هم حاوی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر و هم مسئولیت مدنی بدون تقصیر است. در مواردی که مالک از عیب بنا مطلع شده و عیب را رفع نکرده و از بنا بر حسب متعارف نگهداری نکند مسئولیت او مبتنی بر تقصیر است که این عدم انجام تکلیف باید اثبات شود. اما هرگاه مالک از عیب بنا مطلع شده و در رفع آن اقدام کرده ولی در فاصله اقدام و رفع عیب، بنا ویران شده و منجر به خسارت شود، باز هم مالک ملزم به جبران خسارت است و در این حال مسئولیت او مسئولیت بدون تقصیر است. زیرا تقصیری مرتکب نشده است. یا عدم مواظبت مالک معلول حوادث و موانعی باشد که خارج از حیطه اقتدار او باشد باز هم مالک مسئول جبران خسارت ناشی از ویرانی بنا است که در این مورد نیز مسئولیت مالک، مسئولیت بدون تقصیر است.^۳ البته به نظر می رسد این استدلال خالی از اشکال نباشد چرا که ماده ۳۳۳ ق. م از مصادیق تسبیب بوده فلذا در مورد قسمت دوم یعنی هرگاه، مالک اقدام به رفع عیب نمود لیکن با این حال بنا ویران و موجب خسارت گردید به نظر می رسد نتوان مالک را مسئول دانست. البته این نظر در حقوق فرانسه قابل طرح است و علیرغم شباهت دو ماده ۳۳۳ ق. م. ایران و ماده ۱۳۸۶ ق. م. ف، تقصیری که برای تحمیل مسئولیت بر مالک لازم است، یکسان نیست. ماده ۳۳۳ ق. م. ایران، خرابی را در نتیجه عیب در بنا، سبب

^۱ - امامی، ۱۳۶۸، ص ۴۰۴

^۲ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲

^۳ - امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶



مسئولیت معرفی کرده و مالک تنها زمانی مقصر است که مطلع از عیب بوده و رفع عیب ننموده است اما ماده ۱۳۸۶ ق.م.ف، در صورتی مالک را مقصر می داند که ویرانی به سبب عدم مراقبت مالک یا به سبب وجود عیب در ساختمان رخ داده باشد اما لازم نیست مالک از این عیب مطلع بوده باشد. آنچه مسلم است این است که از ماده ۳۳۳ ق.م.ایران چنین استنباط می شود که خسارت باید از ویرانی ساختمان حاصل شده باشد و در تفسیر این ماده آنچه به زیان دیده یاری می رساند، تفسیر و روش ساختن مفهوم و مصادیق بنا، به کمک اصول و قواعد حقوقی مربوط است، این اصول و قواعد را می توان در مبحث اموال و مالکیت یافت.^۱

بخش هشتم: مسئولیت مالک ناشی از تأسیسات صنعتی خطرناک

خطر نوعی و نامتعارف ممکن است به ذات تأسیسات صنعتی مربوط باشد مثل خطر ناشی از تأسیسات هسته ای و تأسیسات صنعتی شیمیایی و یا مربوط به اطلاعات و هشدارهای ناقص و غلطی باشد که مالک یا نماینده وی به زیان دیده داده است. تأسیسات خطرناک را نباید با تأسیسات معیوبی که خطر آفرین شده است اشتباه نمود. هر چند هر دو از جهت خطرسازی به یکدیگر شبیه اند خطر ناشی از تأسیسات ذاتاً خطرناک به بی مبالاتی و تقصیر مالک یا مستخدم وی ارتباط ندارد. در حالی که در خطر تأسیسات معیوب، بی مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی زیان دیده است. با همه پیشرفتهایی که صنایع هواپیما و خودروسازی و سایر وسائل حمل و نقل کرده است هیچ کس نمی تواند منکر خطرهایی شود که استفاده از این ابزارها به بار می آورد. صنعت خوب و سالم خطر ناشی از استعمال را کاهش می دهد، ولی زیانهای این اقدام را از بین نمی برد. به عنوان مثال، حرکت کامیونهای حمل مواد سوختنی و قابل انفجار (مانند بنزین و نفت) در بزرگ راهها کاری است خطرناک که بیش از حد متعارف، احتمال ورود خسارت را زیاد می کند. ولی آیا می توان به دلیل این خطر از ساخت کامیون حامل بنزین خودداری کرد؟ دآوری در این باره بستگی به مقایسه فوائد حمل و نقل و هزینه ها و خسارات احتمالی ناشی از آن دارد.

^۱ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲



جایجایی مواد سوختی چندان مهم و ضروری است که استقبال از هر خطری را ناگزیر می سازد. پس در اباحه این تولید نمی توان تردید کرد. ولی این پرسش باقی می ماند که آیا در برابر خطر نامتعارف و بزرگی که این صنعت و خدمت ایجاد می کند، عادلانه است که مسئولیت بیشتری را برعهده بگیرد. به عنوان مثال مسئولیت سازنده کامیون (در مثال قبل) یا متصدی حمل و نقل مواد آتش زا و قابل انفجار نسبت به خسارت ناشی از آتش سوزی و انفجار، مسئولیت محض باشد؟^۱ در خصوص تأسیسات صنعتی نفت و گاز از جمله خطوط لوله انتقال نفت و گاز به سراسر کشور که خدمت عمومی بزرگی به شمار می آید نیز این سوال قابل طرح است. تصمیم در این باره به رویه قضائی کشورها و سیاست حقوقی دولتها بستگی دارد. بدیهی است که پرهیز از خطر به مراتب موثرتر از جبران خسارت ناشی از وقوع حادثه است به همین دلیل مسئولیت دارندگان اتومبیل و تعهد حفاظتی که به دارنده تحمیل می شود که هم اکنون چهره جهانی یافته است از نمونه های بارز هزینه های ایجاد خطر نامتعارف است.^۲ در حقوق فرانسه، تا قبل از تصویب مقررات بند ۱ ماده ۱۳۸۴، مالک اشیاء خطرناک را مقصر فرض می کردند و پس از تصویب بند ۱ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف برای تقسیم مسئولیت بین مالکین اشیاء مختلف خسارت را بر طرفی تحمیل می کردند که مالک شیء خطرناک بود. مع الوصف چون این تفکیک و شناسایی شیء خطرناک از غیر خطرناک، در عمل، دشواری ایجاد کرده بود دیوان کشور فرانسه در ۱۲ فوریه ۱۹۳۰ اعلام نمود: مسئولیت ناشی از اشیاء به حفاظت شیء مربوط است نه به خود شیء و مسئولیت بر مالک یا محافظ شیء تحمیل می گردد.^۱ در حقوق ایران چنین تفکیکی به نظر نمی رسد ولی قوانین مختلف، هر جا که نوع فعالیت یا شیء خاص، متضمن ایجاد خطر باشد، مقررات خاصی تدوین شده است مثلاً آیین نامه حفاظتی مواد خطرناک و مواد قابل اشتعال و مواد قابل انفجار مصوب ۱۳۴۲ که مقررات خاصی را در خصوص استفاده و نگهداری این مواد تدوین کرده که عدم انجام آن تقصیر

^۱ - کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۶

^۲ - کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۱۵۷

^۱ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲

محسوب می شود. این مقررات با توجه به خطری که اشیاء یا مواد شیمیایی ایجاد می کند تدوین شده و به این ترتیب خصوصیت شیء از حیث ایجاد خطر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. بنابراین مالک موظف است که از هر شیء با توجه به ماهیت و خصوصیت آن نگهداری کند و هرگاه در انجام این تکلیف کوتاهی نماید مرتکب تقصیر شده است. در این صورت تقصیر مالک را در نگهداری از اشیاء خطرناک و کاربرد آنها را مفروض می دانیم. مثلاً هرگاه در اثر نشت گاز از ایستگاه تقویت فشار گاز، ملک مجاور این تأسیسات طعمه حریق گردد. در هر حال مالک تأسیسات (شرکت گاز) ملزم به جبران خسارات وارده می باشد هر چند که نشت گاز ناشی از تقصیر مالک یا مستخدم وی نباشد. مگر اینکه وجود عوامل خارجی در ورود خسارت احراز گردد. خطر شیء ممکن است مربوط به ذات و ماهیت آن شیء باشد مثل مواد منفجره و مواد آتش زا و ممکن است خطر شیء مربوط به طرز ساختمان آن باشد مثل اسلحه، بنابراین هرگاه خطر شیء با توجه به ماهیت آن ثابت شده باشد مثل مواد شیمیایی و آتش زا، تقصیر مالک را در نگهداری از آن باید مفروض دانست، مگر اینکه قانون خاص، مسئولیت نوعی مقرر کرده باشد و هرگاه شیء ذاتاً خطرناک نباشد، نوع استفاده و کاربرد آن می تواند در مسئولیت موثر باشد.^۱

بخش نهم: تقصیر زیان دیده در مسئولیت ناشی از مالکیت

در وقوع هر حادثه زیان دیده به گونه ای دخالت دارد و از نظر مادی در تحقق ضرر شریک است. مورد بحث آنجاست که زیان دیده مرتکب تقصیر شده و هم زمان از خواننده نیز تقصیر ثابت یا مفروض سر زده است و اگر زیان دیده خود باعث ورود ضرر شده باشد از بحث ما خارج است.^۱ تقصیر زیان دیده در فقه با قاعده اقدام نزدیک و بر این مبنا استوار است. هر چند معمولاً در این موارد از عنوان تقصیر زیان دیده استفاده می شود اما باید دانست که ارتکاب تقصیر از سوی زیان دیده به عنوان شرط لازم برای کاهش یا منتفی شدن مسئولیت مالک نیست، بلکه

^۱ - نظری ۱۳۸۹، ص ۱۷۳

^۱ - کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۴۰۴-۴۱۱



ممکن است صرف عمل وی در مسئولیت موثر باشد. هر چند تقصیری مرتکب نشده باشد. هنگامی که زیان دیده خود به استقبال خطر می رود مثلاً در کنار تأسیسات صنعتی قابل اشتعال مثل محلهای جمع آوری مایعات نفتی زائد جهت سوزاندن (Pet) اقدام به آتش افروختن نماید و به خود و دیگران آسیب برساند یا عمداً اقدام به عملیات خرابکاری بر روی این تأسیسات نماید زیانهای ناشی از آن را باید تحمل کند (مفهوم موافق ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی).

تقصیر زیان دیده همواره سبب معافیت کامل مالک نمی شود مگر اینکه علت منحصر حادثه محسوب شود و رابطه سببیت بین حادثه و عمل یا ترک فعل مالک را قطع کند.^۱ بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد که وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد، دادگاه می تواند میزان خسارت را تخفیف دهد.^۲ البته این ماده نیز به مانند سایر مواد قانون مسئولیت مدنی یک قاعده کلی را بیان می کند و به جزئیات موضوع نمی پردازد و به نظر نیاز به بازنگری دارد.

در حقوق انگلیس قاعده ای وجود دارد که به موجب آن زیان دیده ای که در اثر تقصیر خود در ایجاد ضرر دخالت داشته است نمی تواند از این باب مطالبه خسارت کند (Contributory negligence) این نظر به وسیله نظریه دیگری تعدیل شده است. به موجب این نظر، کسی که آخرین فرصت برای احتراز از ورود خسارت را داشته، مسئول است. البته اکنون تمایل عمومی در این است که مسئولیت بین زیان دیده و عامل ضرر تقسیم شود و با اثبات تقصیر زیان دیده معلوم می شود که تحقق ضرر دو علت داشته و باید زیانی که به بار آمده بین عامل زیان و زیان دیده تقسیم شود.^۱ همچنین همه آثار تقصیر خواننده، خواهان را مستحق دریافت خسارت نمی سازند. در راستای تبیین مسئولیت خواننده در یک قالب منطقی، باید چارچوبی تعریف شود و آندسته از آثار تقصیر خواننده که در

^۱ - نظری، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷

^۲ - نوین، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲

^۱ - کاتوزیان، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۴۰۴-۴۱۱



خارج از چارچوب مزبور جای می گیرند را باید بیش از حد غیر مستقیم تلقی نمود. به عبارت دیگر، از دید حقوق انگلیس، تقصیر خواننده سبب ایجاد چنین آثار غیر مستقیمی محسوب نمی شود. رویه دادگاه های انگلستان^۱ استناد به رضایت صریح یا ضمنی خواهان در مورد وجود عامل خطرناک، یک دفاع معتبر برای خواننده محسوب می شود، مگر اینکه خواننده مرتکب تقصیر شده باشد.^۲ در حالتی که عامل خطرناک برای تامین منافع مشترک خواهان و خواننده در ملک قرار داده شده است (مثل قرار دادن مخزن آب برای تامین آب یک بلوک ساختمانی)، رضایت ضمنی خواهان وجود دارد. نمونه دیگر وجود رضایت ضمنی، حالتی است که در آن خواهان به عنوان مالک و با آگاهی از وجود عامل خطرناک در ملک خود، آن را به دیگری اجازه می دهد.^۳ به استناد رویه قضایی، قاعده مربوط به وجود منافع مشترک میان خواهان و خواننده، در خصوص رابطه میان مصرف کننده و تولید کننده برق، گاز و امثال آن ها قابل طرح نیست.^۴ البته خلاف این نظر نیز در رویه قضایی قابل مشاهده است.^۵ همچنین اگر عمل با تقصیر خواهان سبب ورود خسارت شده باشد، دعوای وی مردود است. در قضیه «دان علیه بیرمنگهام کانال نویگیشن کو.» (۱۸۷۲)^۶ خواهان در قسمتی از معدن خود که واقع در زیر کانال آب متعلق به خواننده بود اقدام به حفاری نمود. آب از کانال به داخل معدن سرازیر شد و خسارت به بار آورد. ادعای خواهان مردود اعلام شد؛ زیرا در مواردی که تقصیر خواهان بخشی از علت وقوع خسارت باشد، خواننده می تواند در مقام دفاع به قاعده تقصیر جمعی استناد کند. اگر خسارت صرفاً به دلیل ماهیت «فوق العاده حساس»^۱ ملک خواهان رخ داده باشد، خواهان نمی تواند مطالبه خسارت

^۲ - ورابرمینگام، ۱۳۸۸، ص ۹۱ الی ۱۰۷

^۳ - Att- Gen v. Croy Bros. & Co Ltd. (HL. ۱۹۲۱)

^۴ - Peters v. Prince pf Wales Theatre (Birmingham) Ltd. (CA, ۱۹۴۳)

^۵ - Northwestern Utilities Ltd. V. London Guarantee and Accident Co. (PC, ۱۹۳۶)

^۶ - Dunne v. North Western Gas Board (CA, ۱۹۶۴)

^۷ - Dunn v. Birmingham Canal Navigation C., (EC, ۱۹۷۲)

^۸ - Extra- sensitive



نماید.^۱ در هر حال از نظر رویه قضایی، این استدلال که ساختمان آسیب دیده در اثر زلزله را باید به طور خاص ساختمانی بی ثبات تلقی نمود، مردود است.^۲

بخش دهم: دخالت شخص ثالث در مسئولیت ناشی از مالکیت

در مواردی که فعل ثالث تنها سبب ورود ضرر است، اثبات این امر کسی را که به ظاهر مسئول قلمداد شده است بری می سازد. زیرا در چنین حالتی معلوم می شود که بین فعل خواننده و حادثه زیان بار رابطه علیت وجود ندارد. گاهی تقصیر ثالث، یکی از اسباب حادثه است. در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی در مورد مسئولیت قهری شخص ثالث که با اثبات تقصیر سبب ایجاد حادثه، مسئولیت بر وی تحمیل می گردد. در مواردی که مالک مال خود را به اشخاصی که خادم و مستخدم او محسوب می شوند می سپارد این اشخاص ثالث تلقی نشده و مالک نمی تواند با استناد به میزان تقصیر ایشان از مسئولیت معاف شود. که این موضوع در قسمت مربوط به تقصیر مستخدم بیان شده است.

ماده ۳۳۴ قانون مدنی ایران یکی از موارد دخالت شخص ثالث را که موجب معافیت مالک از مسئولیت می شود بیان کرده و مقرر می دارد و «... اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.» در مورد تأسیسات صنعتی، استناد به تقصیر مقاطعه کار یا مهندس به عنوان عامل ثالث، مالک را از جبران خسارت معاف نمی کند. زیرا مسئولیت نوعی مقرر علیه مالک بنا و کارخانه، با اثبات بی تقصیری مالک از بین نمی رود مگر اینکه عمل اشخاص مذکور علت منحصر حادثه بوده و به عنوان قوه قاهره مالک را از مسئولیت معاف کند. و این مانع از آن نیست که مالک بعداً بتواند به اشخاصی مذکور مراجعه کند.^۱ در حقوق ایران زیان دیده باید تقصیر در مراقبت و حفاظت از بناء و تأسیسات مشابهه یا اطلاع مالک از وجود عیب در آنها را اثبات کند. در حقوق انگلیس مشکلات موجود در قضایایی که موضوع آنها ارتکاب تقصیر عمدی توسط شخص ثالث است را براساس تکلیف خواننده به اعمال مراقبت منطقی یا

^۱ - Eastern and African Telegraph Co. Ltd. V. Cape Town Tramways Co. Ltd. (PC, ۱۹۰۲)

^۲ - Hoare & Co. v. McAppline (HC, ۱۹۲۳)



میزان مستقیم بودن خسارت تجزیه و تحلیل می کنند. هنگامی که خسارت صرفاً در اثر عمل شخص ثالث ایجاد می شود، تجزیه و تحلیل براساس «تکلیف خواننده به اعمال مراقبت منطقی» بیشتر معمول است. اگر تکلیف خواننده برای جلوگیری از وقوع چنین خسارتی محرز شناخته شود، خسارت وارده به جهت مفروض گرفتن تقصیر خواننده، بیش از حد غیر مستقیم تلقی نخواهد شد. در هر حال هنگامی که تقصیر خواننده سبب ورود یک خسارت اولیه می شود و سپس این مسئله فرصتی را برای شخص ثالث جهت تشدید میزان خسارت بوجود می آورد، دادگاه ها ترجیح می دهند که قضیه را در پرتو قاعده مربوط به میزان مستقیم بودن خسارت مورد بررسی قرار دهند. تقصیر اشخاص ثالث فاقد فایده عملی است مگر اینکه وجود عیب در تأسیسات و عدم آگاهی مالک بر آن را تقصیر مفروض بدانیم که در این صورت مالک تأسیسات صنعتی می تواند با استناد به عمل ثالث، مسئولیت خود را کاهش دهد.^۱ در حقوق انگلیس اگر سقوط یا جابجایی اشیاء در اثر عمل غیرقابل پیش بینی یک شخص ثالث که خواننده (مالک) تسلطی بر وی ندارد رخ داده باشد، خواننده مسئول نیست. در هر حال، هنگامی که علم شخص ثالث از جمله اعمالی است که خواننده (مالک) می بایست به طور منطقی وقوع آن را پیش بینی می نمود و تدابیر لازم جهت جلوگیری از ورود ضرر ناشی از آن را اتخاذ می کرد، استناد به چنین دفاعی ممکن نیست. در قضیه «نورت وسترن یوتولیتیز لیمیتد علیه لاندن گرانتی اند اسکیدنت کو.» (۱۹۳۶)^۲ مخزن گاز متعلق به خواننده در اثر تقصیر کارگران یک شخص ثالث منفجر شد. دادگاه رای داد که خواننده مسئول است؛ زیرا کارگران شخص ثالث در کنار مخزن گاز در حال کار بوده اند و لذا خواننده می بایست امکان وقوع انفجار در اثر عملیات آنها را پیش بینی و از آن جلوگیری می نمود. لذا خواننده مرتکب تقصیر شده است. در عین حال خواننده مکلف به حصول اطمینان از سلامت مخزن گاز بوده است. بنا به گفته قاضی لرد «گودارد»، در قضایایی از این دست، بار اثبات اینکه حادثه به طور کامل

^۱ - ورابرمینگام، مترجم، موسوی، ۱۳۸۸، ص ۹۱ الی ۱۰۷

^۲ - Northwestern Utilities Ltd. V. London Guarantee and Accident Co. (PC, ۱۹۳۶)



در اثر عمل شخص ثالث رخ داده است و امکان پیش بینی منطقی حادثه و جلوگیری از وقوع آن نیز میسر نبوده است به عهده خواننده می باشد.^۱ در این رابطه، عابران شخص ثالث محسوب می شوند اما کارگران در رابطه با امور استخدامی و نیز پیمانکاران مصداق شخص ثالث نیستند. به نظر می رسد خواننده در قبال اعمال افراد خانواده و میهمانانش مسئول باشد. البته نمی توان در این مورد به طور قطع اظهار نظر کرد. زیرا این امر بسته به میزان تسلط و کنترلی است که اعمال آن در خصوص افراد مزبور از خواننده انتظار می رود. بنابراین در برخی اوضاع و احوال ممکن است خواننده به جهت عمل عمدی شخصی که به طور قانونی در حال بازدید از ملک اوست مسئول شناخته شود.^۲

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید اذعان داشت محور اصلی بحث مسئولیت ناشی از مالکیت بنا در حقوق ایران از جمله تأسیسات صنعتی نفت و گاز ماده ۳۳۳ قانون مدنی است و این ماده مسئولیت ناشی از مالکیت ساختمان را مبتنی بر تقصیر دانسته است و بی توجهی به وظایف و تکالیف قانونی توسط مالک، تقصیر فرض می شود و مالک نسبت به جبران خسارات ناشی از این تقصیر مسئول می باشد. ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی به عمل وارد کننده اشاره دارد و عمل زیان آور می تواند شامل عمل مالک شیء و هم می تواند شامل متصرف شیء به غیر از مالک باشد. مسئولیت مالک مطلق نیست بلکه نسبی است و مالک تأسیسات صنعتی زمانی مسئول است که مطلع از عیب تأسیسات خود بوده و در نگهداری و مواظبت از ملک خود کوتاهی نموده و به وظائف خود عمل ننموده باشد. ضمن اینکه اثبات تقصیر مالک تأسیسات بر عهده زیان دیده یا همان خواهان دعوا خواهد بود. البته این ماده فقط مالک را مسئول دانسته و از متصرف ساختمان یا کارخانه که مالک نیست وساکنین و یا کارکنان مالک که در کارخانه یا تأسیسات مشغول به کار هستند و اداره تأسیسات را برعهده دارند مطلبی به میان

^۱ - Hanson v. Wearmouth Coal Co. (CA, ۱۹۳۹)

^۲ - Hale v. Jennings Bros. (CA, ۱۹۳۸)



نیامده است. البته از برخی مواد فصل ششم قانون مجازات اسلامی (موجبات ضمان) می توان به مسئولیت متصرفین و مهندسین ذی ربط ساختمان و تأسیسات پی برد. در هر حال مالک لازم است از خرابی و عیب ملک خود مطلع باشد و وجود عیب در تأسیسات را می توان اماره بر عدم مراقبت و تقصیر مالک دانست و همینکه ثابت شود خسارت ناشی از عیبی در تأسیسات یا ملحقات آن بوده است، مالک مسئول شناخته می شود مگر این که ثابت کند به دلیل موجهی امکان اطلاع او از عیب وجود نداشته است. بنابراین نزدیک ترین شخص برای جبران خسارت، مالک است که مال، تحت مراقبت و نگهداری و تصرف او قرار دارد اما این امر مانع از آن نیست که مالک با اثبات بی تقصیری خود از مسئولیت معاف شود. بنابراین هنگامی که مالک مال خود را ولو موقتاً به دیگری (مثل مستأجر، مقاطعه کار) واگذار کرده و قدرت توانایی کنترل و اداره آن را نیز به وی می سپارد، این اشخاص نگهبان شیء فرض می شوند نه مالک، لیکن در صورت ورود خسارت ناشی از اموال به نظر بر اساس ماده ۳۳۱ ق.م. و ماده ۱ ق.م.، و نه به استناد ماده ۳۳۳ ق.م. مسئولیت جبران خسارت را برعهده دارند. ماده ۳۳۱ ق.م. ایران مقرر داشته: هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید، ماده ۱ ق.م. نیز اعلام می دارد: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال... یا هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد. البته باید اذعان داشت رویه دادگاه های ما این است که در صورت ورود خسارت ناشی از بنا و تأسیسات دعوی خسارت باید علیه مالک ملک اقامه شود نه متصرف یا مستأجر، زیرا متصرفین سمتی ندارند مگر اینکه خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل متصرف باشد و از باب اتلاف یا تسبیب مسئول شناخته شود. بنابراین هرگاه معلوم شود خسارت ناشی از تقصیر شخصی غیر از مالک بوده، مالک به جهت اثبات بی تقصیری، از مسئولیت معاف خواهد بود. بنابراین بر این اساس ملاک اصلی در مسئولیت مالک نسبت به خسارات ناشی از اموال و از جمله تأسیسات اقتدار و سلطه و کنترلی



است که بر شیء دارد و به نظر می رسد هرگاه مالک، بر ملک خود تسلطی نداشته باشد مانند اینکه تأسیسات جهت تعمیرات اساسی در اختیار و تحویل قطعی پیمانکار باشد، مالک مسئول خسارات ناشی از آن نخواهد بود. مگر اینکه زیان دیده ثابت نماید ورود خسارت به نحوی به مالک ارتباط دارد و ناشی از قصور مالک نیز باشد. مانند زمانی که خسارت به جهت کیفیت نا مناسب ساخت تأسیسات و ناشی از علتی است که مربوط به سازنده یا مالک است و یا ناشی از عیب قبل از تحویل به پیمانکار به باشد که در این صورت ارتباطی با متصرف ندارد.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هفتم، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۸
۲. امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، کلیات حقوق تعهدات، وقایع حقوقی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸
۳. بشیری، عباس، براتی، دکتر علی اکبر، پور رحیم، مریم، انواع حریم، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۹۰
۴. پور هاشمی، دکتر سید عباس، ارغنده، دکتر بهاره، حقوق بین الملل محیط زیست، چاپ اول، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۲
۵. جعفری لنگرودی، دکتر محمدجعفر، حقوق اموال، تهران، انتشارات گنج دانش، چ اول، ۱۳۶۸
۶. جعفری تبار، دکتر حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹
۷. جمشیدی، عبدالله، مسئولیت مدنی دارندگان وسائل نقلیه ی موتوری زمینی، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۰
۸. رضائی، دکتر محمود، نکات مهم "Law Text"، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سرای عدالت، ۱۳۹۰
۹. زرگوش، دکتر مشتاق، مسئولیت مدنی دولت، تهران، نشر میزان، جلد اول و دوم، چاپ اول، ۱۳۸۹
۱۰. سبحانی، دکتر کریم، حقوق اداری ایران، تهران، نشر زهره، چاپ سوم، ۱۳۴۲
۱۱. شهیدی، دکتر مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، نشر حقوقدان، سال ۱۳۷۷
۱۲. صفایی، دکتر سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳
۱۳. عباسلو، دکتر بختیار، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰



۱۴. غمامی، دکتر مجید، قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی، تهران، شرکت انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۸
۱۵. قاسم زاده، دکتر سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ نهم، نشر میزان، ۱۳۹۹
۱۶. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، آثار قراردادها، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۸ و انتشارات شرکت انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۸
۱۷. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، اعمال حقوقی، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۱
۱۸. کاتوزیان، دکتر ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰
۱۹. کاتوزیان، دکتر ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار چاپ اول، ۱۳۷۷
۲۰. گروه صلح کرسی حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی، حقوق زیست محیطی بشری، چاپ دوم، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، جلد اول و دوم، انتشارات مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) چاپ دوازدهم، ۱۳۹۱
۲۲. موسوی بجنوردی، آیت الله سید محمد، قواعد فقهیه، جلد اول، نشر مجد، ۱۳۸۵
۲۳. نظری، دکتر ایراندخت، مسئولیت مالک، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، ۱۴۰۰
۲۴. یزدانیان، دکتر علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران، نشر میزان، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۶

ب) مقالات و پایان نامه ها

۱. ابوالمحمد، عبدالحمید، مقاله مسئولیت مدنی دولت، تحولات حقوق خصوصی زیر نظر دکتر کاتوزیان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
۲. حسنی زاده، محمود، مبنا و نحوه تقسیم مسئولیت مدنی در صورت اجتماع عرضی اسباب در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، استاد راهنما، دکتر محسن ایزانلو، تابستان ۱۳۹۰



۳. صفایی، دکتر سیدحسین، قوه قاهره یا فرس ماژور، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره سوم، پاییز ۱۳۶۴

۴. یزدانیان، دکتر علیرضا، نظریه عمومی مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع در حقوق فرانسه و طرح آن در حقوق ایران، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۷۷، بهار ۱۳۹۱

ج) منابع لاتین

۱. Coleman, Jwesl: *Risks and wrogs, cabridge studies in philosophical, and Law, cabridge university press, first published ۲۰۱۵ Transferred to dixital reprinting ۱۹۹۹.*
۲. David Barker & Colin Padfield, *law made simple*, ۱۹۷۰.
۳. Fleming, John: *The Law of Torts*, Sweet and Maxwell Ltd. ۴th edition, ۱۹۷۱.
۴. Martin Hunt, *A level and as level law*, ۲۰۰۰
۵. Owen , Richard , LLB , LLM , Solicitor Principal Lecturer ,Associate Head ,C avendish publishing Limited, London, *Essential Tort Law* , ۲۰۱۸
۶. Prosser, William L. & Keton, Page: *“Prosser and Keeton on the Law of Torts”*, West Publishig Co., fifth edition, ۲۰۲۲
۷. Vera Bermingham: *Tort in a nutshell*, Sweet and Maxwell Ltd, ۲۰۲۱.